



نتیجه رویانگاری وحی انکار دین است / نقد رویای رسولانه سروش

نشست علمی وحی و سکولاریسم با حضور حجت الاسلام خسروپناه روز گذشته در دانشکده الهیات دانشگاه تهران برگزار شد.

نشست علمی وحی و سکولاریسم با حضور حجت الاسلام خسروپناه روز گذشته در دانشکده الهیات دانشگاه تهران برگزار شد.

به گزارش خبرنگار مهر، نشست علمی وحی و سکولاریسم با حضور حجت الاسلام خسروپناه روز گذشته در دانشکده الهیات دانشگاه تهران برگزار شد.

حجت الاسلام خسروپناه در این نشست گفت: موضوع بحث بنده سه مقدمه دارد. اول اینکه وحی شناسی ساحت های مختلف دارد. می توان از ساحت معرفت شناسی، هستی شناسی و پدیدار شناسی به موضوع نگاه کرد.

وی ادامه داد: در بحث پدیدار شناسی موضوع این است که چگونه وحی پدید می آید و آیا رسول الله مخاطب وحی است و یا راوی است؟ بحث دیگر بحث زبان شناسی وحی است که بررسی می کند زبان وحی چه زبانی است؟

خسروپناه گفت: رویانگاری وحی در حوزه پدیدار شناسی وحی می گنجد. البته بر هستی شناسی و معرفت شناسی هم تاثیر دارد ولی بحث اصلی پدیدار شناختی است.

وی افزود: مقدمه دوم این است قبل از موضوع رویانگاری وحی موضوع تجربه نبوی و شعر انگاری و اینکه قرآن کلام پیامبر است، مطرح شده بود. مقدمه سوم این است که حامد ابوزید اولین فردی است که رویانگاری را مطرح کرده و سروش در برخی جاها عینا از عبارات او استفاده کرده است.

خسروپناه گفت: در مورد ادعاهای سروش شش نوشته از او ثبت شده است که چند ادعا در آن دارد. او می گوید وحی نوعی رویاست و به جای رویا می توان از مکاشفه یا مثال یا خیال متصل یا خیال منفصل و ... استفاده کرد. او می گوید من این تعبیر رویا را انتخاب کرده ام.

وی گفت: سروش می گوید وقتی وحی خواب باشد رمزآلود و مه آلود است. حقیقت مه آلود طبیعتا زبان متفاوت از بیداری است و خواب، نیاز به تعبیر دارد. زبان خواب زبان کنایه و استعاره نیست ولی زبان حقیقی و زبان خواب قابل احصا نیست، زبانی که در خواب با آن مواجه ایم زبان فیزیکی نیست. این خلاصه ادعاهای سروش بود.

خسروپناه ادامه داد: استدلالی در کلام سروش نیست. او تنها چند شاهد طرح می کند. او می گوید امیرالمومنین(ع) می فرماید رویای انبیا، وحی است. او نتیجه می گیرد پس وحی رویاست! می گوید در زمان وحی بر پیامبر حالت ناهوشیاری مترتب می شد و یا حضرت موسی(ع) وقتی از درخت صدا شنید فقط خود او این صدا را شنید و دیگران نشنیدند. لذا از این عبارات نتیجه می گیرد که وحی رویاست که این استدلال عجیبی است.

وی گفت: آیا نمی توان تصور کرد کسی که در عالم بیداری با فضای ملکوت ارتباط برقرار می کند می تواند حقایق دریافت کند که دیگران چون این ارتباط را برقرار نکرده اند، نمی توانند دریافت کنند؟

خسروپناه ادامه داد: او تناقضات مورد ادعای خود در قرآن مانند شرابی که مستی نمی آورد، گیاهی که بر آتشی می روید، دریا آتش می گیرد و ... را ذکر می کند و می گوید اگر بخواهیم این پارادوکس ها را حل کنیم باید بگوییم اینها رویاست و تعبیر خاص خود را دارد.

خسروپناه گفت: من نسبت به رویا رسولانه ۱۰ نقد دارم که هرچقدر وقت اجازه دهد بیان می کنم. اول این است که رویاها متفاوت هستند حداقل سه نوع رویا داریم. یکی این است عین آنچه که دیده ایم در بیداری تحقق می یابد دوم خواب هایی هستند که صادق اند اما تعبیر دارند مثل رویای حضرت یوسف(ع)، سوم رویاهایی که از حالت نفسانی اند.

وی ادامه داد: لذا یک قسم از خواب ها تعبیر می خواهد لذا بر چه اساس گفته می شود، قرآن باید از نوع همان خوابی باشد که

خسروپناه تصریح کرد: حقیقت رویا آنقدر پیچیده و مبهم است که هنوز هیچ متفکری نتوانسته آن را حل کند. در عرفان و فلسفه و روانشناسی بحث عمیقی در این مورد وجود ندارد و حقیقت رویا روشن نیست. به خاطر یک سری ابهاماتی که در قرآن دیده اند می خواهند با ابهاماتی بزرگتر آن را به اسم رویا حل کنند. مگر کسی تا به حال حقیقت رویا را درک کرده است؟ می خواهند یک امر مجهول را با امر مجهول تری حل کنند.

وی گفت: شما می گوئید قرآن خواب است این مسئله را با چه روش شناسی ای می خواهید تعبیر کنید؟ اگر سوال شود تعبیر آیات قیامت را بیان کنید باید روش شناسی علم را نیز بیان کرد. شما که می گوئید حقیقت وحی از سنخ رویاست و رویا نیاز به تعبیر دارد باید روش شناسی تعبیر را نیز بگوئید.

خسروپناه افزود: نقد چهارم این است که سروش شباهت هایی بین وحی قرآن و رویا دیده و نتیجه می گیرد که قرآن رویاست. اما سوال این است که مگر هر چیزی که به قرآن شباهت داشت از سنخ رویا است؟ اگر آب به خمر شباهت داشته باشد مگر باید به آن خمر گفت؟

وی ادامه داد: سروش می گوید قرآن کلام پیامبر است. یک شاهد بیاورید که پیامبر یا ائمه گفته باشند این وحی، رویاست. قرآن بعضی جاها مسئله رویا را مطرح کرده است اما در کجا آمده که کل قرآن رویا باشد؟ همینکه قرآن این را نگفته و بعضی چیزها را رویا ذکر کرده، نشان می دهد بقیه حرف های قرآن رویا نیست.

وی گفت: بحث ششم این است که سروش برای تایید ادعای خود که قرآن رویاست به آیاتی تمسک کرده این در حالی است که او با زبان بیداری به آن آیات تمسک می کند. آیا او با زبان رویا آیات را تفسیر می کند تا ثابت کند قرآن، رویاست؟ اگر چنین است که این امر دور محسوب می شود. آیا با زبان بیداری آیات را تفسیر می کند؟ اگر چنین است که این ناقض حرف های خود او است. لذا روشی که بکار برده خودشکن است.

خسرو پناه گفت: او می گوید در قرآن آشفتگی وجود دارد این در حالی است که قرآن عقاید را مانند آنچه متکلمین بحث کرده اند نگفته است. آیا معیار نظم و بی نظمی مثل نمونه های بشری است؟ قرآن نظم خاص خود را دارد. قرآن نمی خواهد دانش فقه را تنها به ما یاد بدهد. قرآن بافت خاص خود را دارد چون هدایت است. او شاهد می آورد که قرآن از فعل ماضی استفاده کرده این در حالی است که در قرآن از فعل مضارع هم استفاده شده چرا به آن آیات اشاره نشده است. فعل ماضی از این جهت بکار رفته که یقینی الوقوع اند و این در زبان عرب مرسوم است.

خسروپناه گفت: اگر سیره عملی پیامبر و ائمه را ببینیم به همین قرآن تمسک می کنند چه در احکام، چه در اخلاق و چه در عقاید. اگر می خواستند می توانستند بگویند آیات قرآن تعبیر دیگری دارد. سیره عمل پیامبر از قضا نقد رویانگاری قرآن است.

وی در پایان افزود: اگر هیچکدام از این نقدها را نپذیریم سوال من این است که با این رویانگاری قرآن چه نتیجه ای می خواهیم بگیریم. آیا بهشت و صراط و هدایت وجود دارد یا نه؟ اگر نیست که این حرف ها، حرف های غربی ها و انکار دینداری است اما اگر از این رویانگاری نتیجه می گیرد که عمل ما بهشت ساز است اسم آن را هر را چه می خواهد بگذارد چون مسئله عوض نمی شود. او از رویانگاری نتیجه ای می گیرد که لازمه آن انکار دینداری است.